

## «توافق»؛ بهمنی برای دفن ناکارآمدی

همین صفحه

### تئیه‌های امروز

آیا پرونده خون‌های آلوده با سفر فابیوس به تهران باز می‌شود؟

## میهمان ویژه هفته هموفیلی

■ وکیل پرونده خون‌های آلوده: فابیوس از مردم ایران عذرخواهی کند



صفحات ۴ و ۲

مخالفان جنگ در ترکیه سرکوب شدند

## انتقام از کردها به خاطر شکست

صفحه ۱۵

## جزئیات جدید از پرونده بابک دوم

صفحه ۳

رئیس قوه قضائیه:

## این توافق ذوق زدگی ندارد

صفحه ۲

### خبر

جمعی از بسیجیان مدال آور المپیادهای علمی مدال‌های خود را به رهبر انقلاب تقدیم کردند

**رهبر انقلاب: رتبه‌های برتر علمی نشانه استعداد فرزندان انقلاب است**



جمعی از بسیجیان مدال‌آور المپیادهای علمی کشوری و جهانی طهر دیروز (یکشنبه) با حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی دیدار و مدال‌های خود را تقدیم ایشان کردند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، در این دیدار که پس از اقامه نماز ظهر و عصر به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار شد، مدال‌آوران المپیادهای علمی ۲۲ مدال کشوری و جهانی خود را در رشته‌های ریاضی، فیزیک و کامپیوتر به رهبر انقلاب اسلامی تقدیم کردند. رهبر معظم انقلاب نیز در این دیدار کوتاه با تشکر و قدردانی از جوانان مدال‌آور، کسب رتبه‌های برتر علمی را نشانه استعداد و پیشرفت‌های علمی فرزندان انقلاب خواندند و گفتند: این نشانه‌ها و پیشرفت‌ها همان چیزی است که به قدرت و اقتدار درونی کشور می‌افزاید.



### سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در بچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور

### گفت‌وگو

■ درباره مساله هسته‌ای از زوایای فنی و حقوقی بحث‌های زیادی شده است نظر شما درباره برجام یا توافق هسته‌ای به لحاظ سیاسی و اجتماعی چیست؟

اگر توافقی نشده بود، دولت «جوان‌مرگ» می‌شد؛ اولاً توافق با غربی‌ها در مساله هسته‌ای، مقدمه واجب ایده دولت برای اداره کشور یعنی توسعه از راه روابط خارجی (همگرایی با غرب) بود، ثانیاً نحوه مواجهه دولت با مساله هسته‌ای به صورتی بود که انجام توافق به همه موجودیت سیاسی و اجتماعی دولت گره خورده بود. بنابراین شکست مذاکرات به شکست ایده دولت در اداره کشور و شکست سیاسی و اجتماعی دولت و حامیان آن منجر می‌شد. در واقع عدم توافق به معنای اعلام «پایان کار» دولت بود. اگر برخی رویه‌های سیاسی رایج در برخی کشورهای غربی که ناکامی دولت‌ها از نظر ایده اداره امور یا ناکامی در محیط اجتماعی و سیاسی به اعلام پایان دولت و برگزاری انتخابات زودرس منجر می‌شود در ایران نیز رایج بود، تقریباً دولت یازدهم بعد از عدم توافق باید به استقبال چنین وضعیتی می‌رفت اما حاکمیت با انعطاف‌های قابل توجه که البته عاری از ریسک و هزینه نیست، مانع فروپاشی دولت یازدهم شد.

■ قطع نظر از نگاه مثبت و منفی درباره برجام، آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی برجام یا توافق هسته‌ای چیست؟

توافق از نظر اجتماعی برای دولت موقعیتی «ژانوس‌وار» دارد؛ از یک طرف خلأ و ضعف پایگاه

اجتماعی دولت را تا حدود زیادی پر می‌کند و تا اطلاع ثانوی مسائلی مثل سبب کالا و مابرجای ثبت انصراف یارانه‌ها و برخی نارضاایتی‌ها از دولت را در حالت تعلیق قرار می‌دهد. در واقع توافق به دولت فرصت می‌دهد تا سطح قابل توجهی، سرمایه اجتماعی خود را بازسازی کند. اما باید توجه داشت که این آثار «کوتاه‌مدت» خواهد بود، چرا که برای مردم توافق به ماهو توافق یا روابط خارجی به ماهو روابط خارجی موضوعیت ندارد بلکه مطابق وعده دولت، حل مسائل معیشتی، اقتصادی و... از رهگذر روابط خارجی و توافق موضوعیت دارد.

بنابراین در میان مدت فشار انتظارات اجتماعی از «اصل توافق» به «توافق برای حل مسائل» شیفت می‌کند. اما مطابق چهره دوم، اولاً توافق، دولت را از «دوبینگ» تحریم‌های ناشی از چالش هسته‌ای برای توجیه مشکلات کشور محروم می‌کند و دولت دیگر نمی‌تواند ناکارایی و ضعف‌های خود را به تحریم‌ها گره بزند و فرافکنی کند، ثانیاً انتظارات فزاینده اجتماعی که خود دولت عمده آفریننده و توسعه‌دهنده آن بود تا این حد که آب خوردن هم به رفع تحریم‌ها وابسته است، در حکم «بهمنی»

### «اخلاق» بلوکه‌شده!

■ محسن جندقی

موضوع اموال بلوکه‌شده ایران در خارج کشور مانند بسیاری از مباحث اقتصادی در دولت یازدهم نشان داد حقایق با تغییر شرایط، تغییر می‌کند! مسؤولان دولت تاکنون در این باره آمارهای بسیار زیاد و گاه با اختلاف چنددهمیلیارد دلاری ارائه کرده و برای این تناقض، توجیهی به ظاهر منطقی و علمی تراشیدند اما در عمل ابهام‌ها نه تنها رفع نشده بلکه بیشتر شده است. البته موضوعی که در اینجا روی آن بحث خواهد شد نه مساله درستی و راستی آمارها بلکه روند انتشار آن توسط دولتمردان است.

۱- مسؤولان پول و اموال بلوکه شده ایران در خارج کشور را از ۲۳ میلیارد دلار تا ۱۸۰ میلیارد دلار عنوان کرده‌اند که فقط ۸ تا ۶ میلیارد دلار آن قابلیت استفاده و تبدیل شدن به ریال را دارد. دلیل این تناقض‌ها در آمار هم روشن است؛ میزان پول‌های بلوکه شده قابل بازگشت با میزان پول‌های سرمایه‌گذاری شده یا میزان اموال غیر منقول بلوکه شده و غیر بلوکه شده

### نگاه امروز

مختلغات است و یک مسؤول جمع همه اینها را اعلام می‌کند اما مسؤول دیگر فقط بخشی از آن را در نظر می‌گیرد و آمار می‌دهد. در کشور ما درآمدهای نفتی به ۳ بخش تقسیم می‌شود؛ ۲۰ درصد آن به صندوق توسعه ملی می‌رود و ۱۴/۵ درصد به شرکت ملی نفت و باقی به خزانه واریز می‌شود. دولت یازدهم بخشی از پول‌های بلوکه شده را پیش‌خور کرده و درآمد نفتی وصول نشده آن را «وصول‌شده» تلقی کرده و از بانک مرکزی معادل ریال آن را دریافت کرده است، طبق قانون دولت نمی‌تواند آن دلارهایی که «وصول نکرده و خرج کرده» را دوباره خرج کند. بدین ترتیب مسؤولی که کمترین آمار پول‌های ذخیره‌شده را اعلام می‌کند، آمار دلارهایی که قبل از آزاد شدن به ریال تبدیل شده و به اصطلاح «پیش‌خور» شده و همچنین ذخایر و دارایی‌های بانک مرکزی را که قابل بازگشت نیست (حتی بعد از آزاد شدن) در آمار خود حساب نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۱۱

جامعه‌شناسی سیاسی پساتوافق در گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر پرویز امینی

### «توافق»؛ بهمنی برای دفن ناکارآمدی

است که به دفن هر دولت ناکارآمدی منجر خواهد شد. بنابراین سیاست تعدیل انتظارات اجتماعی از توافق از اهم سیاست‌های دولت است که در تضاد با سیاست حداکثری کردن انتظارات از توافق در دوره پیشا توافق است.

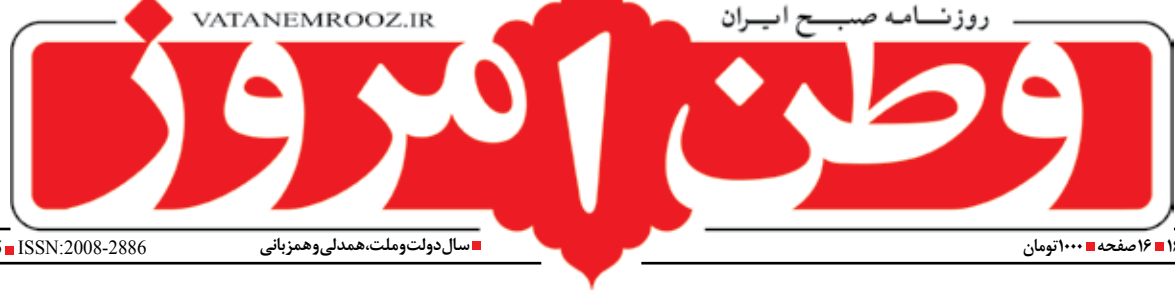
■ به لحاظ سیاسی چطور؟

مسائل دولت تغییرات گسترده‌ای البته همانطور

که بیان شد در کوتاه‌مدت خواهد داشت، طوری که دوران دولت یازدهم را می‌توان به ۲ دوره پیشا و پسا توافق تقسیم کرد. دولت در دوره پیشا توافق داشته بود که دلیل خلأ و ضعف پایگاه



اجتماعی و تشکیلات سیاسی به جریان اصلاحات اتکای بیشتری داشت اما با توافق و پر کردن خلأ اجتماعی خود و کسب یک پایگاه اجتماعی مستقل ولو موقت، استقلال دولت از این جریان بیشتر خواهد شد و لاقال اصلاحات از موقعیت آپاندیسیت کنونی فراتر نخواهد رفت. بنابراین وزن چانه‌زنی اصلاحات برای «سه‌هم‌بری» بیشتر در انتخابات مجلس آینده کاسته خواهد شد و روحانی در تصمیم‌گیری‌ها برای انتخابات مجلس دست بالا را دارد. حتی در این حد که شرکات



# مهندسی تحمیل

آیا صدور قطعنامه شورای امنیت قبل از بررسی متن جمع‌بندی مذاکرات در ایران با هدف فشار به مجلس برای پذیرش مفاد خلاف قانون برجام بوده است؟

صفحه ۲



عکس از بهمن جندقی، وطن امروز

لاریجانی (رئیس مجلس کنونی) با دولت روحانی در انتخابات بر شرکات روحانی با اصلاح‌طلبان ترجیح پیدا کنند.

■ چرا؟

لاریجانی بنا به نسبیتی که با جریان سیاسی اصولگرایی در این سال‌ها پیدا کرده است که دست‌کم بخشی از آنها (پایداری) را خط قرمز لایتغیر خود می‌داند و با بخشی دیگر (موسوم به تحول‌خواهان یا ایتارگران) روابط مناقشه‌آمیزی دارد و نیز همگرایی‌ای که با دولت یازدهم بویژه در مساله هسته‌ای پیدا کرده است که «دگر» اصولگرایان است، در دوره گذار از اصولگرایی به معنای سیاسی آن قرار دارد و به تعبیر دیگر در آستانه خروج از آن است. همچنین لاریجانی در دوره ریاستش بر مجلس نقشی قابل توجهی در کنترل و مدیریت مجلس به نفع دولت یازدهم بویژه در مهم‌ترین مساله دولت یعنی مساله هسته‌ای ایجابی شریک مطمئن‌تری برای دولت یازدهم در انتخابات آینده مجلس است.

■ نسبت بین دولت و منتقدان چه تغییری خواهد کرد؟

نسبت بین دولت یازدهم و منتقدان نیز تغییر خواهد کرد و دولت یازدهم با احساس قدرتی که در دوره پساتوافق دارد، موضع سرسختانه‌تری نسبت به دوره پیشاتوافق نسبت به منتقدان خود خواهد داشت که زهرچشم آن را در نطق رئیس‌جمهور در روز توافق ملاحظه کردیم.

### دفاع از چکمه‌پوش بی‌سواد در دانشگاه!

■ محمدرضا کردلو

مذاکره‌کننده برخی مفاد آن را خطرناک تلقی کرده و گفته است: «مفاد خطرناک قطعنامه ۲۲۳۱ را اجرا نمی‌کنیم» (عراق‌چی) در گفت‌وگوی ویژه خبری- نیز تنها به تعریف و تمجید پرداختند. جریان «توافق به هر قیمتی» که در همه ماه‌های گذشته با پرداختی غیرتخصصی به موضوع مذاکرات صرفاً دنبال «فقط توافق» بوده است، حالا و در روزهای شادی جناح غربگرا، به اینکه در آینده تاریخ دربار نقشی این جریان چه خواهد گفت و از آن به چه تعبیر خواهد کرد، نمی‌اندیشد. گروه مذکور که از برخی شخصیت‌های سیاسی تا لشکر روزنامه‌های دست به قلم حاضر برای بزرگ آمریکا را در خیل خود جای داده است، در مقاطعی حتی با برخی مشابَهت دادن‌های تاریخی برای حصول همین «توافق به هر قیمتی»، به تیم متعهد مذاکره‌کننده جفا کرد و بی‌آنکه در تاریخ دقتی کرده باشد، ظریف را با مصدق و...

ادامه در صفحه ۱۱

### یادداشت امروز

## گذار به دوران نومحافظه‌کاری

■ دکتر حمیدرضا اسماعیلی\*

این یادداشت متعرض ادبیات سیاسی روزمره نیست، بلکه نوشتاری در حوزه اندیشه سیاسی ایران است و از این منظر باید در آن نگرینست. با



این توضیح باید بگوییم جامعه ایران از سال ۹۲ و پس از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری وارد دوره جدید و نومحافظه‌کاری شد.

اما «نومحافظه‌کاری» چیست و چگونه شکل گرفت؟ چنانکه می‌دانیم پس از دوم خرداد ۷۶ جریان‌های سیاسی کشور به طور عمده به ۲ جریان «اصلاح‌طلب» و «محافظه‌کار» تقسیم شدند، البته این نامگذاری از سوی اصلاح‌طلبان صورت گرفت که بتوانند با این نام‌گذاری خود را مترقی و جریان مقابل را مرتجع بنامند؛ چنانکه در ادبیات سیاسی روزمره این برداشت ابتدایی از آن دو مفهوم وجود دارد. اما نکته آنجاست که در ادبیات اندیشه سیاسی این مفاهیم دارای ارزش‌گذاری نیست و محافظه‌کاری یک اندیشه است، همچنانکه اصلاح‌طلبی نیز یک اندیشه است. در هر کدام، اندیشه‌های درست و نادرستی وجود دارد که آنها را باید به تنهایی دآوری کرد و به صورت کلی نمی‌توان قضاوت کرد.

با وجود این، مرزبندی مذکور دارای ایراداتی هم بود: نخست اینکه جریان اصلاح‌طلبی یکدست نبود و در جریان و افرادی که اصلاح‌طلب نامیده می‌شدند طیف‌هایی سنتی وجود داشتند که به لحاظ فکری نمی‌شد آنها را اصلاح‌طلب نامید. این طیف‌ها عموماً شامل روحانیان و وابستگان به آنها بود. یعنی به طور خاص «مجمع روحانیون مبارز» اما از سوی دیگر واژه «محافظه‌کار» نیز برای جریان مقابل مفهوم درستی نبود، زیرا در این جریان جز محافظه‌کارانی مانند دولتمردان دولت سازندگی جریان نوظهور دیگری نیز وجود داشت که به لحاظ فکری تفاوت ماهوی با جریان «محافظه‌کار» داشت. در واقع همان‌ها بودند که بعدها «اصولگر» نام گرفتند و به تصریح از آغاز دهه ۱۳۸۰ مستقل از «محافظه‌کاران» عمل کردند. چنانکه در رشته اندیشه سیاسی مشاهده می‌کنیم «محافظه‌کاری» یا کانسرواتیسم مفهوم اندیشه‌ای کاملاً متفاوت از اصولگرایی یا فاندمنتالیسم است. اما چون واژه‌ها عموماً

توسط بازیگران سیاسی و با اهداف سیاسی به کار می‌رود و رواج می‌یابد، در آن دوره کمتر به تفاوت میان این دو اندیشه سیاسی توجه شد. نظریه‌پردازان اصلاحات نیز چون گمان می‌کردند با همین مفهوم اصلاح‌طلب و محافظه‌کار بخت پیروزی آنها بیشتر است همچنان بر آن اصرار ورزیدند. اما واقعیت اجتماعی چیز دیگری بود و چنانکه گفته شد تحولات دهه ۱۳۸۰ به سمت افزایش اقتدار اصولگرایان پیش رفت. در این میان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران بی در میان انتخابات‌های برگزار شده شکست خوردند و عرصه را به رقیب اصولگرا واگذار کردند. البته سال ۸۸ چندان هم دل‌کننده از این جایگاه ساده نبود لذا سر به طغیان و سرکشی برداشتند.

انتخابات ۸۸ دو نکته را برای جامعه سیاسی ایران محرز کرد: اول اینکه اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران برای از میدان خارج کردن اصولگرایان حاضر به ائتلاف هستند؛ دوم، اصولگرایان هم چندان وحدتی ندارند و دارای طیف‌های‌هایی هستند که فعلاً برای از میدان به در کردن ائتلاف اصلاح‌طلب - محافظه‌کار به وحدت و یکپارچگی رسیده‌اند اما تحولات سال‌های ۸۸ تا ۹۲ چندین اثر را روی آرایش سیاسی این جریان‌ها گذاشت: اولاً ائتلاف «اصلاح‌طلبان - محافظه‌کاران» تداوم یافت و با شکستی که هم در انتخابات و هم در شورش پس از آن خورده بودند، چاره‌ای جز تقویت این ائتلاف نداشتند. ثانیاً اختلافات میان اصولگرایان سرر باز کرد که به طور مشخص میان ۲ جبهه هودار جلیلی و قالیباف خود را نشان داد. این موضوع اهمیت بالایی دارد که باید در نوشتاری دیگر به آن پرداخت.

امسا نتیجه این شد که ائتلاف پدیدآمده میان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران که انسجام تشکیلاتی خود را به طور نسبی حفظ کرد توانست از تشتت تشکیلاتی جریان اصولگرا بهره‌بربرد و در انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری به پیروزی برسد. در واقع از همین جا بود که «نومحافظه‌کاری» به طور رسمی پدید آمد و دوران «نومحافظه‌کاری» در ایران آغاز شد.

ادامه در صفحه ۱۱